

آقای آرام عزیز

به منشی خود گفته‌ام که چند تا از آثارم را برایتان ارسال نماید و امیدوارم به عنوان هدیه‌ای از جانب من آنها را بپذیرید. شش گفتار کتابی بسیار فنی است و مستلزم آشنایی زیاد با برخی از پیشرفته‌ترین مفاهیم علوم و فلسفه جدید. اما از آنجا که به تصوف و فلسفه دینی علاقه‌مند هستید، امیدوارم آن را چندان خسته‌کننده نیابید. سایر آثاری که برایتان می‌فرستم می‌تواند برای درک اهداف کتاب فوق مفید واقع گردند.

درباره تصوف اگر کتاب قوت‌القلوب ابوطالب مکی<sup>۱</sup> به زبان عربی را خوانده باشید، یکی از قدیمی‌ترین آثار درباره تصوف و بی‌نهایت آموزنده است. کتاب بعدی کشف‌المحجوب اثر سید علی هجویری<sup>۲</sup> از عرفای بزرگ لاهور است که اصلیت وی به غزنه باز می‌گردد. ترجمه فشرده‌ای از این کتاب به زبان انگلیسی توسط دکتر نیکلسون در کمبریج به چاپ رسید. به نظر من این کتاب را می‌توان از طریق لوزاک تهیه نمود. لمعات عراقی<sup>۳</sup> شاعر را نمی‌توان بدون [مطالعه] فتوحات مکیه محی‌الدین عربی<sup>۴</sup> به طور کامل درک نمود. در زمینه شعر، کتاب گلشن راز محمود شبستری<sup>۵</sup> را داریم. ترجمه انگلیسی این کتاب نیز موجود است. در کتاب زبور عجم، که برایتان می‌فرستم، شعری خواهید یافت موسوم به «گلشن راز جدید» که در پاسخ به شعر محمود [شبستری] سروده شد.<sup>۶</sup> و بالاتر از همه مثنوی رومی [مولوی] است که شخصاً آن را بر هر کتاب دیگر

۱. ابوطالب مکی (۳۵۵ - ۴۳۷ ه.ق.).

۲. ابوالحسن علی بن عثمان بن ابوعلی از عرفا و نویسندگان قرن پنجم (وفات ۴۶۵ ق) صاحب کتاب معروف کشف‌المحجوب. وی از اهالی محله هجویری (جلاب) در غزنین است.

۳. فخرالدین عراقی (۶۱۰ - ۶۸۸ ه.ق) از عرفا و شعرای نامدار قرن هفتم. متولد همدان، از پیروان محی‌الدین ابن عربی. وی کتاب لمعات خود را تحت تأثیر فصوص الحکم ابن عربی تألیف نمود.

۴. محی‌الدین ابوبکر محمدبن علی حاتمی طائی مالکی اندلسی از مشاهیر تصوف در اسلام (۵۶۰ - ۶۳۸ ه.ق). از آثار وی فتوحات مکیه، فصوص الحکم، تاج‌الرسائل و کتاب العظمه.

۵. مسعودالدین محمودبن عبدالکریم. عارف معروف، متولد شبستر (وفات ۷۲۰ ه.ق). سراینده مثنوی گلشن راز.

۶. اقبال در این اشعارش چنین می‌سراید:

جواب نامه‌ی محمود گفتم

نزد مردی به جان ما شراری

بـطرز دیگر از مقصود گفتم

ز عهد شیخ تا این روزگاری

ترجیح می‌دهم. دکتر نیکلسون ترجمه کامل انگلیسی کل کتاب را همراه با متن اصلی فارسی آن، که پس از مقابله با نسخه خطی مکشوفه در مصر با دقت و وسواس زیاد تصحیح نموده بود، به چاپ رساند. نسخه خطی مذکور ۵۰ سال پس از مرگ رومی نوشته شده و احتمالاً قدیمی‌ترین نسخه موجود است. کتاب فیه‌ما فیه رومی توسط آقای عبدالمجید، لیسانسیه ادبیات از دریاپاد ناحیه بارابانکی<sup>۱</sup> (از ایالات متحده هند)، تصحیح شد و به چاپ رسید. مطمئنم اگر به وی نامه بنویسید یک نسخه برایتان ارسال خواهد نمود. مثنوی رومی هنوز در هند خوانندگان زیادی دارد و یکی از پرفروش‌ترین کتابها در هند است.

بعضی از اشعار رومی مشهور به دیوان شمس نیز توسط نیکلسون به انگلیسی ترجمه شده. تقریباً تمام کتب فوق‌الذکر از طریق لوزاک قابل تهیه است.  
[شماره راهنما: ۶۴۸ - ۲۹ - ۱۳۴۵] ارادتمند - محمد اقبال

## [ ۲ ]

### نامه اقبال لاهوری به غلامعباس آرام

دکتر سر محمد اقبال  
وکیل حقوقی - لاهور

۲۷ ژوئن ۱۹۳۲

آقای آرام عزیز

با تشکر فراوان از نامه‌تان که لحظه‌ای پیش به دستم رسید. بله، من بخشهایی از کتاب میرولی‌الله راجع به حافظ را خوانده‌ام. وی محقق خوبی در زبان فارسی است و به عنوان شارح خوب کار کرده است، ولی اعتراف می‌کنم که اعتقاد چندانی به تفسیر شعر ندارم. چند سال پیش شخصی [دیوان] حافظ را به زبان پنجابی ترجمه کرد و من آن ترجمه را بیش از هر تفسیر دیگری که در هند راجع به حافظ نوشته شده بود پسندیدم. با این حال تفسیر ولی‌الله در کل تفسیر خوبی است. در خصوص پیام شرق<sup>۲</sup> و کتاب اردو زبان درباره نوشته‌های خودم، سعی خواهیم کرد در صورتی که نسخی از آنها در اینجا موجود باشد گیر بیاورم و برایتان بفرستم. کتاب اردو مدت‌ها پیش به رشته تحریر در آمده بود و تا آنجا که به خاطر دارم صرفاً شرحی درباره نوشته‌های اردو زبان من به دست می‌دهد. یک ماهنامه محلی قرار است برای شماره اکتبر خود ویژه‌نامه‌ای تحت عنوان «ویژه‌نامه»

۱. ناحیه‌ای در ایالت اتارپرادش در شمال هند.

۲. عنوان یکی از مجموعه اشعار اقبال که در پاسخ به دیوان گوته شاعر و متفکر آلمانی سروده است.

اقبال» به چاپ رساند. این ویژه‌نامه حدود ۴۰۰ صفحه خواهد بود و منحصرأً به آثار من اختصاص خواهد داشت. پیگیری می‌کنم تا پس از انتشار نسخه‌ای از آن برایتان ارسال شود. یادداشت ...<sup>۱</sup> را دیدم و با شما موافقم. هیچ یک از طرفین را نباید سرزنش نمود. مسلمانان هند عملاً از ۱۸۵۷ به این طرف در زندان به سر برده‌اند. اکنون امور سریعأً در حال تغییر و تحول است. اینک راههای تجاری به منافع عظیم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آسیای میانه و آسیای غربی خواهد انجامید. لیکن تبدیلاتی که در حال حاضر، به ویژه در مطبوعات هند، جریان دارد بر ضد ایران است. تبلیغات مبنی بر اینکه سفر تاگور به ایران در راستای گسترش و تحکیم پیوندهای آریایی بین هندوها و ایرانیان صورت گرفته است (البته این تفسیری است که مطبوعات هند از سفر تاگور به ایران به عمل آورده‌اند) همراه با تبلیغات مبنی بر آمادگی ایران برای گرویدن به آئین زرتشتی و نیز گرایشهای ضداسلامی اشخاص به اصطلاح ملی‌گرای ایرانی - که در نوشته‌هایشان می‌توان به اشارات و تلویحات ضداسلامی برخورد - جملگی دست به دست هم داده و لطمه‌های سیاسی بیشماری بر ایران وارد می‌سازد، و ممکن است در آینده به عواقب سوء و ناگواری بینجامد. آینده آسیا در گرو اتحاد کشورهای آسیای میانه و آسیای غربی است، اعم از آنهایی که مسلمان هستند یا نیستند. ظهور اسلام صرفأً دیوار حائلی شد بین آسیا و اروپا. با نابودی نوگان دریایی عثمانیها در نبرد ناواران<sup>۲</sup> و مرگ تیپو<sup>۳</sup> در سال ۱۷۹۹ علائم سقوط و فروپاشی این دیوار حائل آشکار شد. پیامد آن سلطه غرب بر آسیا بود. مطبوعات هند این مودیگری را به منظور مقابله با آنچه به تقلید از اروپائیان آن را «پان اسلامیسم» می‌نامند به راه انداخته‌اند؛ چیزی که جز در تصورات و نوشته‌های کسانی که این عبارت را برای نشان دادن خطری موهوم از جانب اسلام برای اروپا ابداع کرده‌اند، هرگز وجود خارجی نداشته است. این طرح صرفأً برای توجیه تهاجم خود [اروپائیان] به کشورهای اسلامی بود. مایه بسی تأسف است که نسل جوان مسلمان در هند و دیگر کشورها تاریخ کشورهای خود را از اروپائیان می‌گیرند، [در حالی] که

---

۱. به احتمال زیاد *Zoroastrian* است. نشریه‌ای بود که از سال ۱۹۲۳ به عنوان نشریه اتحادیه پارسیان در بریتانیا کبیر منتشر می‌شد.

۲. ناواران. از بنادر و شهرهای یونان واقع در شبه جزیره پلپونزی، در کنار دریای ایونی. نیروی دریایی امپراتوری عثمانی در سال ۱۸۲۷ میلادی به وسیله قوای متحد فرانسه، انگلیس و روسیه در هم شکست.

۳. تیپو صاحب، آخرین نواب میسور هندوستان (۱۷۴۹ - ۱۷۹۹). از مخالفین انگلیس. با راجه‌های طرفدار انگلیس جنگهای زیاد نمود و سرانجام به دست انگلیسیها کشته شد.



سخنرانی تاگور در تهران [ ۳۶۱ - ۴ ]

نوشته‌های آنان جز تبلیغات سیاسی، و بعضاً مستتر در آثار برجسته‌ای که علی‌الظاهر کاملاً بی‌ضرر می‌نمایند، چیز دیگری نیست. زمان آن رسیده که ملل آسیا به ویژه مسلمانان آسیا به مطالعه دقیق کل تاریخ آسیا اقدام نمایند. این اقدام به تنهایی موجب خواهد شد تا آنان بتوانند به ارزیابی درستی از نقش آن نیروهای تاریخی و اقتصادی، که امروزه در کار تکوین حیات کشورهای آسیایی است، برسند.

تاگور بی‌انصافی دیگری نیز در حق مسلمانان هند روا داشته است. وی به مسلمانان بین‌النهرین گفت تا برای آزادی هند مسلمانان هند را به همکاری با هندوها ترغیب نمایند. یک پژوهشگر ژرف‌نگر در سیاست هند به خوبی واقف است که «آزادی کامل» در شرایط کنونی به هیچ وجه مطلوب هندوها نیست و نمی‌تواند باشد. تنها هدف وی تأمین سیطره کامل بر سرنوشت اقلیت‌های هند و حفظ حضور سرنیزه‌های بریتانیا در جهت

حمایت از خود است. این است منظور وی از آزادی. و این آزادی صرفاً به معنی تغییر اربابان برای اقلیتهای هند است.

با امید به سلامت شما

ارادتمند - محمد اقبال

[شماره راهنما: ۲/۱ - ۲۹ - ۱۳۴۵آ]

### [ ۳ ]

#### نامهٔ اقبال لاهوری به غلامعباس آرام

دکتر سر محمد اقبال

۵ ژوئیه ۱۹۳۲

وکیل حقوقی - لاهور

آقای آرام عزیز

با تشکر از نامه‌تان که امروز آن را خواندم. متأسفم به اطلاعاتن برسانم بریدهٔ نشریاتی را که در نامهٔ آخر خود بدانها اشاره کرده بودم، در اختیار ندارم. گمان می‌کنم آقای نریمان، روزنامه‌نگار پارسی بمبئی، را بشناسید. وی مخالف تبلیغات پارسیان درخصوص بازگشت ایران به آئین زرتشتی است و گهگاه به مقابله و رد آن می‌پردازد. در صورتی که بریده‌های بیشتری از جراید از وی دریافت نمایم، با کمال مسرت آنها را برایتان ارسال خواهم نمود. بعضی اوقات مسلمانان ایرانی نیز همین تبلیغات را در شهرهای هند به راه می‌اندازند، برای نمونه در کراچی که شمار پارسیان در آنجا بسیار زیاد است. سال گذشته یکی از این آقایان در کراچی بود. فکر می‌کنم نشریهٔ بمبئی کروئیکل بود که مطلبی در ارتباط با دیدار تاگور نوشت و هدف واقعی این دیدار را فاش ساخت، یعنی گسترش پیوندهای آریایی بین هندوئیسم و ایران. «گسترش پیوندهای آریایی» ظاهراً تعبیر بیضرری است، لیکن ما مسلمانان هند این چیزها و گرفتاریها یا نتایج سوء آنها را بهتر از بیگانگان درک می‌کنیم. وانگهی پناهندگان ایرانی در آلمان نیز سرگرم برخی اقدامات بسیار مشابه بوده‌اند. در حال حاضر از فعالیتهای آنان اطلاعی ندارم. لیکن فعالیتهای سابق آنان که نتایجش در شکل آثار چاپ شده در هند یافت می‌شود در همان راستا جریان داشت. تنها همین چند روز پیش که سرگرم تهیه سؤالات امتحانی زبان و ادبیات فارسی برای دورهٔ فوق‌لیسانس دانشگاه پنجاب بودم، دستیارم یک متن فارسی از نشریهٔ ایرانشهر یا کسری برایم آورد. نویسندهٔ مقاله یک نفر ایرانی بود که عقیده داشت ایران به زور به اسلام گروید. نظر دستیارم این بود که مقالهٔ مذکور را برای ترجمه به انگلیسی به دانشجویان فوق‌لیسانس خود بدهیم. البته من آن را رد کرده و متن دیگری انتخاب کردم. این آقایان ایرانی یا کاملاً نسبت به تاریخ کشور خود جاهلند یا

بازیچه دست سیاست‌بازان و تبلیغاتچیهای اروپایی هستند که تنها هدفشان این است که کشورهای مسلمان احساس همدلی به یکدیگر را از دست بدهند. کشورهای مسلمان نمی‌توانند از یکدیگر غافل بمانند زیرا هنوز تهاجم اروپا متوقف نشده است. شاید امروز بیش از هر وقت دیگر به احساس همدلی یکدیگر نیازمندند. به زعم من این قبیل تبلیغات با توجه به این واقعیت به راه افتاده است که گسترش راههای جدید در آسیا پیوند میان کشورهای مسلمان را بیش از هر وقت دیگر مستحکم می‌سازد. هدف آن است تا از هرگونه امکان اعتلاء اسلام در عصر حاضر، که سقوط امپریالیسم اروپا قطعی است، ممانعت به عمل آید. گسترش اسلام به ویژه از این جهت مایه خشم و رنجش شده است که اسلام حداقل یکی از رقبای اروپا در آسیا به شمار می‌رود. و هندوها نیز، نظر به اهداف و مقاصد تجاری خاص خود، به این قبیل تبلیغات کشورهای مسلمان علاقه خاصی نشان می‌دهند.

اخبار اروپائیان درباره اصلاحات ترکیه در سطح مطبوعات هند با تیرهای درشت به چاپ می‌رسد، بلکه از این طریق به مسلمانان هند القا کنند که [در ترکیه] اسلام جای خود را به ترکها می‌سپارد. حمایت از امان‌الله نه به خاطر اصلاحات وی در افغانستان بلکه به این دلیل بود که فکر می‌کردند اصلاحات وی در جهت کنار زدن اسلام از افغانستان است. تردیدی ندارم که حداقل تاحدودی مسئول سقوط امان‌الله و انقلاب افغان همین تبلیغات بود.

اگر زمانی شخصاً شما را ملاقات کنم جزئیات بیشتری راجع به طرحهای شیطانی مطبوعات هند برایتان خواهم گفت. لطفاً این نامه را کاملاً محرمانه تلقی نمائید. البته می‌توانید آن را به جناب سرکنسول نشان دهید.

[شماره راهنما: ۶۴۶ - ۲۹ - ۱۳۴۵]

ارادتمند - محمد اقبال

[۴]

نامه اقبال لاهوری به غلامعباس آرام

۱۳ ژوئیه ۱۹۳۲

دکتر سر محمد اقبال  
وکیل حقوقی - لاهور

آقای آرام عزیز

با سپاس از نامه‌تان، مطالب بیشتری را برای مطالعه شما ضمیمه می‌نمایم.

مراسله آقای نریمان کاملاً محرمانه است و باید محرمانه نیز تلقی گردد. من تقی زاده را می شناسم و او را تحسین می کنم. کلاً ممکن است من نیز مانند سایر مسلمانان هند اطلاعات نادرستی دریافت کرده باشم، ولی آنچه می گویم شاید روشنگر آن باشد که نگرش مسلمانان به ایران چگونه تحت تأثیر قرار گرفته است. اهداف تبلیغات همواره در جهت نیل به پیشرفت است، لیکن در عین حال مضرات زیادی در بردارد و ممکن است خواست های غیرقابل پیش بینی به بار آورد. بهتر است همیشه آماده مواجهه با خطرات موجود باشیم.

[شماره راهنما: ۶۴۹ - ۲۹ - ۱۳۴۵]

ارادتمند - محمد اقبال

## [۵]

### نامه گ. ک. نریمان به اقبال لاهوری<sup>۱</sup>

محرمانه<sup>۲</sup>

گ. ک. نریمان

(روزنامه نگار)

مزگون - ص. پ.

بمبئی - ۱۰

۱۱ ژوئیه ۱۹۳۲

سر محمد اقبال عزیزم

نامه مورخ هشتم شما به راستی مایه مسرت است.

جاویدنامه<sup>۳</sup> را به درخواست دوست مسلمانی به وی امانت داده بودم، که قول داده بود در برخی اشکالاتی که داشتم به من کمک نماید. آقا نه پیدایش شده و نه کتاب را به من برگرداند، با وجودی که یادداشتی هم برایش فرستادم. بسیار مایلم که حداقل سرودها را - یا هر نامی [عنوانی] که شما در آئین زرتشتی به آن می دهید - به انگلیسی چاپ کنم. درباره تبلیغات در جهت اشاعه مجدد آئین زرتشتی در ایران، کاش دوستان مسلمانی که به آنان متوسل شده بودم گامهای مناسبی بر می داشتند. البته هنوز هم چندان دیر نشده است؛ ولی هر چقدر بیشتر درنگ بورزیم طبعاً موفقیت در جلوگیری از موج خیزش نه آئین زرتشتی بلکه ریاکاری و تزویر تهوع آور نیز کندتر خواهد بود. نامه های

---

۱. نامه گ. ک. نریمان برای اقبال ارسال شده و وی آن را به ضمیمه نامه مورخ ۱۳ ژوئیه خود برای آرام فرستاده است.

۲. در آغاز نامه فوق دو بار واژه «محرمانه» نوشته شده. احتمالاً یکی را نریمان، در زمان ارسال نامه برای اقبال، نوشته و دیگری را اقبال در زمان ارسال نامه برای آرام.

۳. عنوان یکی از آثار اقبال.

قبلی‌ام به شما ثابت خواهد کرد که چقدر کار کردم تا هدف متدینین فناتیک پارسی و مسلمانان ریاکار و متظاهر ایرانی را خاطر نشان سازم. مقامات ایرانی به ثروت پارسیان چشم دوخته‌اند. خوشبختانه یا متأسفانه آنان بیش از اندازه راجع به میزان این ثروت اغراق کرده‌اند. به منظور ترغیب پارسیان برای مهاجرت به ایران، البته همراه با سرمایه‌های خود، به آنان گفته شد که ایران آماده قبول مجدد آئین زرتشتی است، و بازگشت پارسیان مصادف خواهد شد با تبدیل مساجد به آتشکده‌ها. علاوه بر این موارد، شایعاتی نیز وجود دارد و شماری از پارسیان معتقدند که رضا شاه تصمیم به پوشیدن سُدَره<sup>۱</sup> و کُستی<sup>۲</sup>، سمبل‌های ظاهری آئین زرتشتی، گرفته است. مأموران معینی نیز از ایران نزد پارسیان آمدند تا همین داستان را بگویند، که رسواترین آنها سیف آزاد بود. در نامه‌های قبلی خود به طور مفصل راجع به وی نوشته‌ام. با توجه به مخالفت حزب [گروه] کوچک من و خود من برنامه [تبلیغات مربوط به] تغییر کیش فعلاً علناً و در سطح عموم کنار گذاشته شد. گفته می‌شود که این امر به هیچ‌وجه جزئی از توطئه‌هایی که بر ضد ایران صورت می‌گیرد نبوده است. مع‌ذلک من در این مورد تردید دارم؛ و خوشبختانه مدارک کافی در روزنامه‌های پارسی دال بر وجود برنامه‌ای برای تغییر کیش مجدد ایرانیان مسلمان به آئین زرتشتی در اختیار داریم. در این خصوص مکاتباتی را که با مقامات عالی‌ه ایران داشته‌ام برایتان ارسال می‌دارم. این مسئله در مطبوعات پارسی واکنش‌های متفاوتی را برایم به دنبال داشت. لیکن افراد مزور و ریاکار در تهران از من خشمگین شدند. نامه یکی از رهبران این اشخاص مزور در مقابل من قرار دارد. او، که یک زرتشتی است، برای به رخ کشیدن پیروزی خود چنین می‌نویسد: «اینک واعظین محمدی [مسلمان] در مساجد مسلمین از مذهب باستانی ایرانی سخن می‌گویند...»

علاوه بر نامه‌ام به «مقامات عالی‌ه» یک نسخه از نامه‌ای را که به نشریه تایمز هندوستان فرستاده شد، به ضمیمه ارسال می‌دارم. پیش از این مشکلاتم را با شما در میان گذاشته بودم. مطبوعات بمبئی تحت نفوذ پارسیان ثروتمند، که اکثراً افرادی متعصب هستند، قرار دارند. از این رو دریافتن راهی برای بیان نظریات صادقانه‌ام دستهایم را بسته‌اند. حتی

---

۱. سُدَره - پیراهن سفید بلند، گشاد بی‌یقه. از البسه رسمی زرتشتیان است که از ۱۵ سالگی باید بپوشند.

۲. کُستی - کمربندی است که هر زرتشتی از ۷ سالگی به بعد باید آن را به دور کمر بپیچد. این کمربند شامل ۷۲ نخ از پشم گوسفند، به ۶ رشته تقسیم شده، هر رشته دارای ۱۲ نخ است. عدد ۱۷۲ اشاره به ۷۲ فصل یسنادارد که مهمترین قسمت اوستاست. عدد ۱۲ اشاره به ۱۲ ماه سال و عدد ۶ نیز اشاره به ۶ گهنبار (ایجاد دینی) است. کستی را باید ۳ دور به کمر پیچید. عدد ۳ نیز اشاره به ۳ اصل مزدیسنا (گفتار نیک، کردار نیک، پندار نیک) دارد.



نمی‌توانم به اراجیفی که در مطبوعات پارسی علیه من نوشته می‌شود پاسخ دهم. اگر روزنامه‌پر خواننده‌ای در اختیار داشتم می‌توانستم تمامی این توطئه‌ها را نقش بر آب نمایم. دیدار تاگور از ایران یک نمایش مسخره بود. این بنگالی زیرک، پارسیان فناتیک را دست انداخته است. با خواندن مقاله «روبا، میمون و فاخته»، که به ضمیمه ارسال داشته‌ام، به نحوه این امر پی خواهید برد. این مقاله را به چندین روزنامه فرستادم، ولی هیچ کدام تاکنون آن را چاپ نکرده‌اند. منظورم را توضیح می‌دهم: به اعتقاد من این جنجال که پارسیان به واسطه فشار و تعدی اعراب مسلمان ایران را ترک کرده‌اند یک سفسطه تاریخی است. من جداً معتقدم که گرویدن ایران به اسلام ناشی از ظلم و ستم طاقت‌فرسای موبدان یا طبقه روحانی بود. ثالثاً به اعتقاد من آزار و اذیتی که زرتشتیان در ایران متحمل می‌شدند از جانب اعراب نبود بلکه از سوی زرتشتیانی بود که به خاطر مطامع دنیوی اسلام را پذیرفته بودند و با توجه به اینکه خود از دین سابق برگشته بودند نمی‌توانستند ببینند که خویشان و همسایگان‌شان همچنان مصرأً به دین سابق باقی مانده‌اند. بنابر این وقتی می‌بینم مسئله‌ای کهنه مجدداً طرح می‌گردد و حاکمیت ایران نیز از جعلیات و تحریفات تاریخی حمایت به عمل می‌آورد بسیار مایلم که قویاً و مصرأً، نه لزوماً از اسلام بلکه از حقایق و واقعیات تاریخی دفاع و جانبداری نمایم. پیشنهاد فروغی به تاگور مبنی بر تأسیس کرسی فرهنگ فارسی به عنوان گامی در جهت کمک به پارسیان در ایام گرفتاری و تنگنا، بخشی از وعده‌های تحقق نیافته است. دوست عزیز! فکر می‌کنم با روی آوردن به عالم سیاست در واقع به بیراهه رفته‌ای. کاش به عرصه تاریخ و فلسفه بازگردی. می‌توانم با تو همکاری کنم تا به دنیا اثبات نمائیم که اسلام از بسیاری جهات ناجی ایران بود. [گرچه] من از پیروان رسالت [دین] محمد [ص] نیستم، ولی معتقد به تبلیغ و اشاعه حقایق تاریخی هستم.

ارادتمند - گ. ک. ن.